

بمناسبت ۲۲ آوریل سالروز تولد لنین



به حکومت تزاری

امسال، ۱۸۹۶ حکومت تزاری دو بیانیه خطاب به عموم درباره مبارزات کارگران علیه صاحبان کارخانه، منتشر ساخته است. در دیگر کشورها از این نوع بیانیه ها فراوان منتشر می شود و حکومت آنها جریانات درون کارخانه ها را از مردم پنهان نمی دارد و مطبوعات آزادانه خبرهای مربوط به اعتصابات را منتشر می سازند. اما حکومت روسیه به شدت از آفت تبلیغات درباره حوادث و اتفاقات درون کارخانه می ترسد و از انتشار اخبار مربوط به اعتصابات در مطبوعات جلوگیری به عمل می آورد. دولت بازرسان کارخانه ها را از انتشار گزارشات خود درباره اعتصابات منع کرده است و حتی نمی گذارد دعوای مربوط به اعتصابات در دادگاههای مربوطه مطرح شود بطوری که خلاصه تمام امکاناتش را بکار می گیرد تا آنچه را که در کارخانه ها و در میان کارگران می گذرد، از دیده مردم پنهان دارد. ولی ناگهان تمام تدابیر پلیس مثل حباب صابون می ترکد و به هوا می رود. حکومت خود را مجبور می بیند درباره این حقیقت که کارگران علیه کارخانه داران وارد مبارزه شده اند بی پرده سخن بگویند. چه چیز موجب این تغییر شده است؟ در سال ۱۸۹۵، تعداد اعتصابات کارگری به ویژه خیلی زیاد است. بله این امر حقیقت دارد. اما پیش از این هم اعتصابات بسیاری صورت گرفته بود، اما حکومت موفق شده بود از برملا شدن اسراسر آن جلوگیری کند و توده های کارگر را در بی خبری نگهدارد. اعتصابات عمومی دامنه اش بسیار وسیع تر از اعتصابات قبلی و در يك ناحیه متمرکز است. بله این موضوع هم حقیقت دارد. اما اعتصابات بزرگتری هم قبلا رخ داده بود برای مثال اعتصابات استانیهای ولادمیر و مسکو در سالهای ۸۶-۱۸۸۵. اما در آن زمان حکومت از گفتن حتی يك کلمه درباره مبارزات کارگران خودداری کرد. پس این بار چه چیز حکومت را وادار به سخن گفتن کرده است؟ تنها این حقیقت که این بار سوسیالیستها پشتیبان کارگران هستند و به آنان کمک می کنند تا مسائلشان را مطرح کنند و اخبار مربوط به

اعتصابات را در همه جا، هم در میان کارگران و هم در میان دیگر طبقات جامعه پخش کنند. سوسیالیستها خواسته های کارگران را دقیقاً فرموله می کنند و به عموم مردم نشان می دهند که حکومت تا چه حد بی شرف و حقه باز است و چه خشونت‌های سبعانه ای در برخورد با کارگران از خود نشان می دهد. هنگامی که حکومت دریافت همه مردم از اعتصابات خبر دارند و سکوت او بسیار مضحك است، به ناچار با بقیه همصدا شد، سوسیالیستها از دولت خواستند که در این باره به مردم توضیح دهد، حکومت هم روی صحنه ظاهر شد و توضیحش را داد. اجازه بدهید ببینیم چه توضیحی می دهد.

ابتدا حکومت سعی کرد از انجام اینکار بطور آشکار و در ملاء عام خودداری ورزد. از اینرو یکی از وزراء، وزیر دارائی آقای ویتِه **Vitle** بخشنامه ای خطاب به بازرسان کارخانه ها صادر کرد که در آن کارگران و سوسیالیستها را بدترین دشمنان نظام اجتماعی معرفی کرده و به بازرسان اندرز داده بود که سعی کنند کارگران را بترسانند و آنان را مطمئن سازند که حکومت، کارفرمایان را از دادن هر گونه امتیازی به کارگران منع کرده است. در این بخشنامه همچنین آمده بود که با کارگران راجع به انگیزه های خیرخواهانه کارفرمایان و مقاصد شرافتمندانه شان صحبت کنند و بگویند که چقدر کارفرمایان به کارگران و خواسته هایشان علاقه مندند و چگونه لبریز از احساسات خیرخواهانه نسبت به آنان می باشند. اما حکومت نه درباره خود اعتصابات، نه درباره علت آنها و نه درباره سرکوب بی شرمانه و نقض قوانین از طرف کارفرمایان و نه درباره اهداف کارگران کلمه ای سخن نمی گوید. در يك کلام، دولت به آسانی کلیه اعتصابات که در تابستان و پائیز ۱۸۹۵ صورت گرفته بود، دگرگون جلوه داده و سعی می کند با گفتن جملاتی مبتذل درباره اعمال خشونت آمیز و غیرقانونی از جانب کارگران، خودش را از شر همه آن واقعیتهای خلاص کند. همه می دانند کارگران نبودند که مرتکب اعمال خشونت آمیز شدند بلکه این پلیس بود که به خشونت توسل جست. آقای وزیر می خواست که این بخشنامه کاملاً محرمانه بماند اما همان مقاماتی که او این مهم را به آنان واگذار کرده بود، نتوانستند این سر را مخفی نگهدارند. بخشنامه در دست مردم سراسر جامعه را طی کرد و سپس توسط سوسیالیستها چاپ و منتشر شد. وقتی حکومت فهمید که با این «اسراسر آشکارش» از خود مضحکه ای ساخته است ناچار شد آنرا بطور رسمی برای چاپ به مطبوعات بدهد. و همانطور که در بالا گفتیم چنین بود جواب حکومت به اعتصابات تابستان و پائیز ۱۸۹۵. در بهار ۱۸۹۶ اعتصابات با مقیاس وسیع تری شروع شد. اخبار و شایعات مربوط به اعتصابات را جزوات سوسیالیستها در اختیار مردم می گذاشت. حکومت ابتدا سکوت جیونانه ای اختیار کرد و منتظر ماند تا ببیند که قضیه چگونه خاتمه می یابد. و سپس هنگامی که قیام کارگران فروکش کرد با تأخیر، درایت بوروکراتیکش را همانطور که پروتکل دیر از موقع پلیسی را به اطلاع می رساند، به اطلاع عموم رساند. این بار حکومت مجبور بود بی پرده سخن گوید و مهم تر اینکه این کار را جمعاً انجام داد. اطلاعاتیه دولت در شماره ۱۵۸ نشریه *Pravitelarennny*

Veatni ظاهر شد. این بار دیگر دولت قادر نبود که اعتصابات کارگری را به سیاق سابق دگرگون جلوه دهد. و مجبور بود تمام داستان و حقایق مربوط به اقدامات سرکوبگرانه کارفرمایان را بگوید و خواستهای کارگران را آشکار سازد و بپذیرد که کارگران بسیار شرافتمندانه رفتار کرده اند بنابراین کارگران دولت را واداشتند تا از دروغ گفتن به شیوه شرم آور پلیسی دست بردارد. کارگران با قیام خود و با طرح مسائل و خواسته هایشان در جزوات و اعلامیه های متعدد برای با خیر ساختن عموم مردم، دولت را به قبول این حقیقت واداشتند. و این امر برای کارگران پیروزی بزرگی محسوب می شد. اکنون کارگران به خوبی می دانند که برای اعلان عمومی نیاز هایشان و برای باخبر ساختن کارگران سراسر کشور از مبارزات خویش، از چه وسائلی می توانند استفاده کنند. کارگران اکنون می دانند که چگونه با مبارزات متحدانه خود برای تأمین حقوقشان و با آگاهی طبقاتی خود قادرند دروغهای دولت را برملا سازند. تازه وقتی که وزراء از اعتصابات صحبت به میان آوردند شروع کردند به عذر تراشی و اینکه اعتصابات در نتیجه ویژگیهایی است که در تولید نخ و ریسندگی کتان وجود دارد. حقیقتاً! این اعتصابات نتیجه ویژگیهای تولید تمام روسیه نیست؟ این اعتصابات نتیجه ویژگیهای سیستم سیاسی روسیه نیست که به پلیس اجازه می دهد که به آرامترین اعتصابات کارگران حمله کند و کسانی را که تنها از خودشان در مقابل سرکوب و فشار دفاع می کنند، شکار و بازداشت نماید؟ اگر چنین است پس آقایان وزراء چرا کارگران اعلامیه ها را از دست هم می قاپند و با ولع هر چه تمام تر آنها را می خوانند و تقاضای تعداد بیشتری می کنند؟ اصلاً به کتان و نخ ارتباطی ندارد. بلکه به محرومیت اتباع روسیه از هر نوع حقوق، و رفتار خودسرانه و وحشیانه حکومتی مربوط است که چاپلوسی سرمایه داران را می کند و مجیز آنها را می گوید. نه این عذر جدید بسیار بدتر و بی شرمانه تر از عذر آقای ویتته وزیر دارائی است که سعی کرد از طریق بخشنامه اش و مقصر جلوه دادن مبلغ، سر و ته موضوع را هم بیاورد. آقای ویتته درباره اعتصابات به همانگونه سخن می گوید که هر صاحب مقامی که سببش را سرمایه داران چرب کرده اند: مبلغان می آیند، مسائل را توضیح می دهند، اعتصاب آغاز می شود. اما حالا که آقایان وزراء يك اعتصاب سی هزار نفری را می بینند، مجبورند کمی فکر کنند و بالاخره به این نتیجه می رسند که اعتصاب به این دلیل شروع نشده که مبلغان سوسیالیست در صحنه ظاهر شده اند. بلکه مبلغان سوسیالیست به این دلیل پیدایشان می شود که اعتصاب آغاز شده است، زیرا که کارگران مبارزاتشان را علیه کارخانه داران شروع کرده اند و حالا وزراء اظهار می دارند که سوسیالیستها بعداً به اعتصابات می پیوندند و این برای آقای ویتته درس خوبیست. آقای ویتته حواست را جمع کن و خوب به خاطر بسپار، و یاد بگیر که درباره علت اعتصاب هیچگونه ابهامی برایت وجود نداشته باشد. یاد بگیر که خواسته های کارگران را مورد بررسی قرار دهی نه گزارشات موشهای جاسوست را که خودت هم کمترین اعتمادی به آنها نداری. این آقایان وزراء به ملت می گویند که افرادی با سوء نیت سعی می

کنند به اعتصابات جنبه سیاسی بز هکارانه و یا همانطور که در جای دیگری ذکر کرده اند، خصالت اجتماعی (Social) بدهند (البته منظور آقایان از خصالت اجتماعی سوسیالیستی بوده است، حال از روی نادانی و یا از روی جبین بوروکراتیک اجتماعی گفته شده، به هر حال چیز چرندیست: سوسیالیستی به معنی پشتیبانی از مبارزات کارگران علیه سرمایه می باشد در حالی که منظور از اجتماعی صاف و ساده خود جامعه است. حال چگونه می توان به اعتصاب جنبه اجتماعی داد؟ همانطور که به آقایان وزراء رتبه می دهند). خنده دار است! سوسیالیستها به اعتصاب جنبه سیاسی می دهند. چرا؟ قبل از اینکه هر سوسیالیستی این کار را بکند خود حکومت تمام امکاناتش را بکار می برد تا این وظیفه را انجام دهد. آیا این حکومت نیست که کارگران صلح جو را درست مانند جنایتکاران دستگیر می کند؟ آیا حکومت کارگران را بازداشت و اخراج نمی کند؟ آیا او جاسوسها و پرووکاتورهایش را به هر سو نمی فرستد؟ آیا هر کس را که به چنگش بیافتد بازداشت نمی کند؟ آیا دولت قول نداد که به صاحبان کارخانه ها کمک کند تا تسلیم نشوند؟ آیا دولت، کارگران را صرفاً بخاطر جمع آوری پول برای اعتصابگران، تحت تعقیب قرار نداد؟ حکومت خود قبل از هر کس دیگری این امر را برای کارگران روشن می سازد که جنگی که آنان علیه کارخانه داران آغاز کرده اند به ناچار باید به جنگی علیه دولت تبدیل شود. کار سوسیالیستها تنها تأیید این موضوع و انتشار آن در اعلامیه ها و جزوات می باشد. تمام قضیه از این قرار است. حکومت روسیه در امر نادیده گرفتن امور صاحب تجربه زیادی است. و از همین رو آقایان وزراء درباره اینکه چگونه حکومت به اعتصابات خصالت سیاسی می بخشد، سکوت کرده اند. حکومت حتی تاریخ اعلامیه های سوسیالیستها را هم به اطلاع عموم می رساند. پس چرا چیزی درباره تاریخ صدور دستور فرماندار شهر و bachi-bazouk در مورد بازداشت کارگران صلح دوست، مسلح کردن ارتش، فرستادن نیروی انتظامی، اعزام جاسوسان و پرووکاتورها نمی گوید؟ اینان که تمام جزئیات اعلامیه های منتشره از طرف سوسیالیستها را به اطلاع عموم می رسانند چرا درباره تعداد کارگران و سوسیالیستهای بازداشتی، درباره خانواده هایی که نابود شده اند و درباره تعداد تبعیدیها و زندانیان بدون محاکمه هیچ چیز نمی گویند؟ چرا؟ به این دلیل که وزرای روسی هر چند که از هر نوع شرم و حیائی عاری هستند، اما در مورد گفتن چنین اعمال راهزانه ای به ملت بسیار با احتیاطند. کلیه نیروهای دولتی، قوای انتظامی، پلیس، ژاندارمها و دادستانی در برابر و بر علیه کارگران صلح دوست که برای احقاق حق خویش و دفاع از خود در برابر استبداد کارخانه داران قیام کرده اند، جبهه گرفته و به مقابله برخاسته اند، بخاطر مزد ناچیز خود و رفقاییشان، کارگران انگلیسی، هلندی، آلمانی و استرالیایی می جنگیدند، دولت تمام نیرویش، یعنی پلیس، قوای نظامی، ژاندارمها و جاسوسها را، تمام خزانه عظیمش را که به کارخانه داران بیچاره قول مساعدت داده بود، بکار گرفت.

کارگران متحد و متشکل نبودند، آنان قادر نبودند ترتیبی برای جمع آوری وجوه بدهند و از کمکهای کارگران و شهرهای دیگر فهرستی تهیه کنند. آنان همه جا مورد تعقیب قرار می گرفتند و مجبور بودند در مقابل فشار نیروهای دولتی تسلیم شوند. آقایان وزراء از شادی پیروزی خود در پوست نمی گنجند. چه فتح با شکوهی! چه نیروهای برابری! تمام قدرت حکومت و کلیه ثروت سرمایه داران علیه سی هزار کارگر صلح جو و فقیر! آقایان وزراء بهتر بود قبل از لاف زدن درباره پیروزی کمی تأمل می کردند. لاف و گزاف آنان، انسان را به یاد لاف و گزافهای پلیس می اندازد که از اینکه از اعتصابات جان سالم بدر برده اند، به خود می بالند. حکومت پیروزمندانه به سرمایه داران اعلام می کند که «تحریکات» سوسیالیستها هیچ اثری نداشت. چرا، جواب ما اینست که هیچ تحریکی نمی توانست يك صدم تأثیری را که رفتار و کردار دولت در برابر این مسائل روی کارگران سن پترزبورگ و سراسر روسیه داشت، به وجود بیاورد. کارگران می بینند مشی دولت عبارتست از سکوت درباره اعتصابات کارگری و دگرگون جلوه دادن آنها. کارگران دیدند که چگونه مبارزه متحدانه آنان، پلیس را به ترك دروغگوئی و ریاکاری واداشت. آنان می دیدند که حکومت چگونه قول مساعدت به کارخانه داران می دهد و عملاً از منافع آنان حراست می کند. کارگران در حالی که نه قانون را نقض کرده بودند و نه نظم را به هم زده بودند، در عوض در برابر خویش ارتش و پلیس را دیدند، با آنان به گونه ای رفتار شد که گوئی دشمنان مملکت هستند. در این میان کارگران می توانستند دشمنان واقعی خویش را بشناسند.

وزراء هر چقدر که می خواهند راجع به شکست مبارزه داد سخن بدهند، چون کارگران می بینند که چگونه کارفرمایان کوتاه می آیند و دولت از تمام بازسانش دعوت می کند که برای بحث درباره امتیازاتی که باید به کارگران بدهند، دور هم گرد آیند، چون اکنون دیگر باید امتیاز داد. اعتصابات سالهای ۱۸۹۵-۱۸۹۶ بی نتیجه نبودند. این اعتصابات خدمات بی پایانی به طبقه کارگر روسیه کردند، آنها به کارگران نشان دادند که چگونه بخاطر منافعشان بجنگند و به آنان آموختند که مفاهیم «موقعیت سیاسی» و «نیازهای سیاسی» طبقه کارگر را بفهمند.

نوامبر ۱۸۹۶

اتحاد مبارزه برای رهائی طبقه کارگر

نوشته شده در زندان، پائیز ۱۸۹۶

مجموعه آثار لنین، جلد دوم

به زنان و مردان کارگر کارخانه تورنتون

زنان و مردان کارگر کارخانه تورنتون!

روزهای ششم و هفتم نوامبر برای همه ما روزهایی فراموش نشدنی هستند. زیرا در این روزها بافندگان با مقاومت پیگیرانه خود در مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در میان ما در لحظات دشوار هنوز هستند کسانی که از منافع مشترک ما کارگران دفاع می کنند. آنان نشان دادند که این کارفرمایان محترم هنوز موفق نشده اند ما را به بردگانی بیچاره برای پر کردن جیبهای گشادشان تبدیل کنند.

رفقا بیائید تا به آخر محکم و استوار بایستیم و به یاد داشته باشیم که تنها از طریق کوششهای متشکل و مشترک می توانیم شرایط زندگی مان را بهبود بخشیم، و مهم تر از همه، رفقا باید مراقب باشیم که با سر به درون دامی نیفتیم که آقایان تورنتون با حيله گریهای بسیار بر سر راهمان گسترده اند. استدلال این آقایان چنین است: وضع بازار چندان خوب نیست، از اینرو اگر ما بخواهیم شرایط پیشین کار را حفظ کنیم دیگر نمی توانیم همانقدر سود ببریم که قبلا می بردیم و به هیچ وجه هم حاضر نیستیم به سود کمتری تن در دهیم.

... بنابراین ما مجبوریم کارگران را تحت فشار بیشتری قرار دهیم. بگذار این کارگران باشند که بار هزینه های سنگین را متحمل شوند ... ولی این امر نباید به شیوه های قبلی بلکه با هشیاری و زیرکی تمام باید صورت بگیرد تا کارگران ساده لوح نفهمند که چه لقمه چرب و نرمی را برایشان تدارک دیده ایم. اگر بخواهیم این برنامه را یکبار در مورد تمام کارگران اعمال و اجرا کنیم موجب شورش یکپارچه آنها می شویم. پس اول خدمت بافنده های بیچاره می رسیم بعد بقیه کارگران در دسری ایجاد نخواهند کرد (راه فراری ندارند). ما عادت نداریم در رفتار با کارگران برای خود محدودیتی قائل شویم. تازه چرا اینکار را بکنیم؟

از اینرو کارفرمایان که سخت علاقه مند به رفاه حال کارگران هستند می خواهند به تدریج و مداوم شرایطی را که قبلا به بافندگان تحمیل کرده بودند به کارگران تمام بخشها نیز تحمیل کنند ... به این دلیل است که اگر نسبت به سرنوشت بافندگان بی تفاوت بمانیم با دست خودمان چاهی را کنده ایم که با سر به درون آن پرتاب خواهیم شد.

به تازگی درآمد بافنده ها (اگر بخواهیم درآمدها را به رقم صحیح حساب کنیم) حدود سه روبل و پنجاه کویک در هفته است و در طول همین مدت خانواده های ۷ نفری با درآمد ۵ روبل با دشواری تمام امرار معاش کرده اند و خانواده هایی مرکب از پدر و مادر و یک فرزند تنها با ۲ روبل سر کرده اند. آنان حتی تا آخرین تکه پاره های لباسشان را فروختند و آخرین شاهی های پولشان را که محصول کار جهنمی و طاقت فرسایشان است خرج کردند در حالی که ولی نعمتهایشان، صاحبان تورنتون، در همان مدت میلیونها روبل بر ثروتشان افزوده می شد.

اخراج کارگرانی که کارشان را از دست می دهند و قربانی حرص و آز سرمایه داران می شوند و در مقابل چشم دیگران به خیابانها رانده می شوند، فشاری که با سنگدلی تمام مداوماً افزایش می یابد، این جریان را تکمیل می کند ...

آنان بدون هیچگونه توضیحی شروع به مخلوط کردن كرك با پشم کردند که سرعت کار را به نحو وحشتناکی کاهش می دهد بطوری که کارگران برای گرفتن تارها باید وقت زیادی صرف کنند. و بالاخره کارفرمایان بدون سر و صدا مدت کار را برای تولید کوتاه کردند. اکنون بجای ۹ اسکیمتس تنها می توان ۵ Schmitz تولید کرد. و کارگران مجبورند برای چیدن و بافتن انرژی بیشتری صرف کنند و اعصاب خود را بیشتر فرسوده کنند و بطوری که همه آگاهند در ازای این امر حتی يك كوپك هم پرداخت نمی شود. آنها می خواهند اعصاب بافندگان ما را فرسوده کنند، رقم ۱ روبل و ۶۲ كوپك در ازای دو هفته کار که به تازگی در دفترهای مزد کارگران پدیدار شده ممکن است در آینده نزدیک در تمام بخشهای بافندگی رایج شود. رفقا! آیا شما هم می خواهید که این لطف آقایان کارفرما شامل حال شما هم بشود؟ اگر نمی خواهید و اگر قلبهایتان در مقابل رنج توده های فقیری مثل خودتان به سنگ تبدیل نشده است محکم و استوار در اطراف بافندگان حلقه بزنید و بیایید خواستهای مشترکمان را مطرح کنیم و در هر موقعیت مناسبی برای بهبود شرایط زندگی مان با سرکوبگران خود مبارزه کنیم.

کارگران بخشهای ریسندگی! گول افزایش مداوم و تدریجی درآمدها را نخورید ... تازه ۲/۳ کارگران ریسندگی را از کار اخراج کرده اند و افزایش مزد شما به قیمت گرسنگی آنان تمام شده است. درك این حیلۀ مزورانه کارفرمایان چندان دشوار نخواهد بود اگر شما حساب کنید قبلاً درآمد بخش بافندگی چقدر بوده و حالا چقدر است. کارگران بخش جدید رنگرزی! شما در ازای ۱۴ و ربع ساعت کار روزانه تنها ۱۲ روبل در ماه می گیرید در حالی که از پای تا سر به بخار مسموم و کشنده رنگ آغشته گشته اید. به خواسته های ما توجه کنید!

ما خواستار پایان بخشیدن به کسور غیرقانونی ای هستیم که در مقابل عدم کارایی سرپرست از شما اخذ می شود! زحمتکشان و کلیۀ کارگران ساده! آیا واقعاً شما انتظار دارید ۶۰ تا ۸۰ كوپك در روز بگیرید در حالیکه بافندگان ماهر مجبورند با روزی ۲۰ كوپك امرار معاش کنند؟ رفقا چشمتان را به روی واقعیت نبندید. این طعمه ای را که کارفرمایان بر سر راهتان نهاده اند نبلعید، صفوف خود را فشرده تر سازید و گرنه زمستان بدی در پیش خواهیم داشت. ما باید با چشمانی باز مراقب مانورهای کارفرمایان که صرفاً هدفشان پائین آوردن مزدهاست، باشیم. و در مقابل هر نوع گرایشی در این جهت که متضمن خانه خرابی ماست، شدیداً مقاومت کنیم ... به آه و ناله آنان در مورد خرابی اوضاع توجه نکنیم: منظور آنان از خرابی اوضاع تنها سود کمتر است در حالیکه برای ما خرابی اوضاع به معنای قحطی و رنج خانواده هایمان است که از کوچکترین تکه نان بیات نیز محرومند. آیا این دو قابل ملاحظه اند؟ آنان پیش از هر چیز فشار را روی بافندگان متمرکز کرده اند.

خواسته های ما به شرح زیر است:

۱- افزایش مزد بافنده ها به سطح مزدهای بهار یعنی حدود ۶ کویک برای هر Schmitz.

۲- بافندگان مشمول این قانون بشوند که می گوید میزان مزد قبل از شروع کار به کارگران اعلام گردد. و نرخ مزدها که به امضای بازرس کارخانه رسیده است تنها منحصر به روی کاغذ نباشد بلکه طبق قانون صورت واقعی به خود بگیرد. مثلا در مورد بافندگی، نرخها باید شامل اطلاعاتی درباره کیفیت پشم، میزان زوائد و کرکهای موجود در آن، تخمینی در مورد مدت زمان لازم برای کارهای مقدماتی باشد.

۳- زمان کار باید طوری تنظیم شود که ما بدون اینکه مقصر باشیم، بیکار نمایم. مثلا الان کارها طوری ترتیب داده شده که برای هر قطعه يك روز کار صرف تارها می شود از اینرو قطعات تولید شده نصف قطعات قبلی از آب درمی آیند و بافندگان با در نظر نگرفتن و عدم رعایت نرخ مزدها خسارت دو گانه ای را متحمل می شوند. اگر کارفرمایان می خواهند از مزد ما بدزدند بگذارید آشکارا این کار را بکنند تا کاملا روشن شود که آنان چگونه ما را می دوشند.

۴- بازرسان کارخانه باید مراقبت کنند تا تقبلی در مورد نرخ مزدها رخ ندهد بطوری که نرخ دو گانه ای وجود نداشته باشد یعنی مثلا لیست نرخ مزدها شامل دو نرخ متفاوت برای تولید يك جنس که دو نام متفاوت دارند، نباشد. مثلا ما برای بافتن پارچه «بای بر» ۴ روبل و ۳۲ کویک می گیریم در حالی که برای پارچه «اورال» ۴ روبل و ۱۴ کویک. و ما می دانیم که برای تولید این دو پارچه به يك میزان انرژی، به يك میزان وقت، صرف می شود.

تازه حيله گری بی شرمانه تر اینکه برای کالاهائی با يك اسم، دو نرخ متفاوت می گذارند. این طریقی است که آقایان تورنتون از زیر بار «قانون جرائم» شانه خالی می کنند. این قانون خاطر نشان می سازد تنها جریمه به کارگری تعلق می گیرد که در اثر بی مبالائی وی خسارتی به کار وارد ساخته است و این کسر مزد باید حداکثر ۳ روز پس از تعیین جریمه در دفتر پرداخت مزد در ستون جرائم ثبت گردد. همچنین باید گزارش دقیقی از تمام جرائم تهیه و نگهداری شود. وجوه جرائم باید بجای سرازیر شدن به جیب کارفرما صرف برآوردن نیاز مندیهای کارگران کارخانه مربوطه بشود.

و اما درباره خودمان. بیائید نگاهی به دفترچه هایمان ببینیم. در هیچ جای آن اثری از ارقام جریمه نیست و آدم تصور می کند که چقدر کارفرمایان ما مهربان هستند. آنان با استفاده از عدم آگاهی ما از زیر قانون درمی روند و عملا اوضاع را به نفع خود رو به راه می کنند. می بینید رفاقا هیچ کس جریمه نشده اما از مزد ما کم می شود. در آنجا که دو نرخ است يك نرخ کمتر و يك نرخ بیشتر، همیشه نرخ کمتر پرداخت می شود و هیچ جای شکایتی هم نیست. آنان همچنان به کم کردن مزدهای ما و از این راه به افزایش درآمد خود ادامه می دهند.

۵- علاوه بر آنکه باید نرخ واحد مقرر گردد، هر نوع کسور باید در ستون جرایم با ذکر دلیل جریمه ثبت شود.

به این ترتیب جرایم ناحق آشکار می شود و کار مفت کمتری از ما کشیده می شود و حوادث ناخوشایند کمتری رخ می دهد. مثلاً در بخش رنگریزی مزد کارگران به حساب عدم کارایی سرپرست بدون مجوز قانونی کسر می شود و در حالیکه هیچ گونه دلیل قانونی ای به نام بی مبالاتی کارگران برای کسور از مزدها وجود ندارد. آیا تا به حال از مزد ما بخاطر گناهی که مرتکب نشده ایم کسر نشده است؟

۶- ما خواهان این هستیم که حق مسکن به سطح قبل از سال ۱۸۹۱ برسد. یعنی يك روبل برای هر نفر در ماه. زیرا درآمد ما به حدی پائین است که ما قادر به پرداخت ۲ روبل در ماه نیستیم و تازه برای چه ۲ روبل بپردازیم؟ آیا لانه های کثیف، شلوغ و بد بو که دائماً در معرض آتش سوزی قرار دارند ارزش ۲ روبل در ماه را دارند؟ رفقا فراموش نکنید که نرخ يك روبل در ماه در سراسر پترزبورگ نرخ متداولی نیست. فقط این اربابان با ملاحظه ما هستند که نمی توانند به این مبلغ رضایت دهند. از اینرو ما باید آنان را وادار سازیم تا از حرص و طمع خود بکاهند.

در دفاع از این خواسته ها ما قصد طغیان نداریم، و ما صرفاً می خواهیم آنچه را که سایر کارگران کارخانه ها بر طبق قانون به دست آورده اند، به دست بیاوریم. ما می خواهیم حق مان را از آن کسانی بازستانیم که تمام امیدشان این است که ما قادر به دفاع از حقوقمان نیستیم. بیایید به آنان نشان دهیم که سخت در اشتباهند.

تقریر و انتشار به سال ۱۸۹۵

مجموعه آثار لنین، جلد ۲

تکثیر از:

کمونیه های انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com